

## فیض روح القدس

فیض روح القدس از باز مدد فرماید...



عبدالحسن ترکی

فیض روح القدس آر باز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد1

امام حسین رحمت واسعة خدای رحمان است کیست که به این «کشتی نجات» دست التجا زده و ناامید بازگشته است؟ به قول عارف صاحب دل مرحوم حاج محمد اسماعیل دولابی «همة اهل بیت کشتی نجاتند اما کشتی امام حسین سریع‌تر است، وقتی که حرکت می‌کند، سایر کشتی‌ها کنار می‌کشند و راه را باز می‌کنند، امام حسین رو به خدا سریع است، تجلی خدا هم به سوی او سریع است. محبت و عزاداری برای امام حسین (ع)، انسان را زود به مقصد می‌رساند. «کُلُّنا سفن النجاة و لكن سفينة الحسين اسرع» همة ما اهل بیت کشتی‌های نجاتیم، ولی کشتی امام حسین سریع‌تر است.»2

در این مقال دو داستان از عنایات حسینی (ع) به شاعران و اهل سخن از زبان خودشان آورده می‌شود. یکی مفسر و مترجم معروف قرآن مرحوم حکیم الهی قمشه‌ای (ره) و دیگر استاد عباس کی منش معروف به «مشفق کاشانی» - حفظه الله - که هر دوی این بزرگواران به شکرانه عافیت خود و فرزندان نشان منظومه‌هایی را به رسم سپاس از عنایات سالار شهیدان سروده‌اند و به پیشگاه عرشی آن امام مظلوم تقدیم داشته‌اند که در میان سوگ سروده‌های حسینی خوش نشسته و خوب جلوه کرده است.

با آرزوی شفای همة دردمندان و همچنین آرزوی بلندی مقام برای مرحوم الهی قمشه‌ای و امید سلامت و طول عمر برای استاد مشفق کاشانی، خوانندگان موعود را به خواندن این دو داستان که پرتوی از عنایات و کرامات سیدالشهداء (ع) به سخنوران می‌باشد، دعوت می‌کنیم.

هر چند این دو شخصیت معروف حضور خوانندگان بوده و مستغنی از معرفی می‌باشند با این حال معرفی کوتاهی شده‌اند. صلاي غم

عباس کی منش، متخلص به مشفق کاشانی از شاعران برجسته معاصر در 1304 در کاشان به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا درجه کارشناسی ارشد در رشته حسابداری و بودجه در دانشگاه تهران ادامه داد و نزدیک چهل سال در وزارت فرهنگ - آموزش و پرورش - با سمت‌های آموزگاری، دبیری و سازمان اداری در کاشان و تهران خدمت کرد. استاد پس از افتخار بازنشستگی فعالیت‌های خود را عمده در حوزه شعر متمرکز کرد و در طول دوره خدمات ادبی و انقلابی‌اش به خاطر عرضه آثاری فاخر، ده‌ها لوح تقدیر را از آن خود ساخت. عضویت در شورای شعر سازمان صدا و سیما از مسئولیت‌های وی بوده است. مجموعه آثار استاد اعم از سروده‌ها، گردآورده‌ها و کارهای مشترک به 31 اثر می‌رسد که در این میان صلاي غم، سرود زندگی، آذرخش، آیینة خیال و پنجره‌ای رو به آفتاب قابل ذکر است.

با آرزوی سلامتی و تندرستی برای استاد مشفق کاشانی جریان سُرایش تضمین شعر جاودانه محتشم کاشانی در دوازده بند را به نام «صلاي غم» از زبان ایشان می‌شنویم. صلاي غم، داستان دل‌انگیز شفای مشفق جوان از يك بیماری مهلك به عنایت سالار شهیدان است. لازم به یادآوری است که این منظومه در سال 1323 برای اولین بار توسط کتابفروشی اسلامیة و در سال 1366 به همت سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با مقدمه استاد محمود شاهرخی به چاپ رسیده است.

من در زمان نوجوانی به بیماری توژم کیسه صفرا مبتلا شدم. شدت بیماری آنچنان بود که تقریباً تمام پزشکان از من ناامید شده، در نهایت به پدرم گفتند: میرزا! ما کاری نمی‌توانیم بکنیم.

مرحوم پدر جزو مؤسسان هیأت ابوالفضل (ع) کاشان بود. هر سال که دسته این هیأت در کاشان به راه می‌افتاد بی‌نظیر بود. پدر اعتقاد محکمی به اهل بیت (ع) داشت و به قول خودش «چهل سال پای منبر سیدالشهداء (ع) سینه زده بود». در همان شرایط که من از شدت بیماری چیزی نمی‌توانستم بخورم و از شدت درد، فرس را گاز می‌گرفتم؛ پدرم آمد و گفت: «من چهل سال است که در عاشورا برای امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) عزاداری کرده‌ام؛ اگر امشب امام حسین پسرم عباس را شفا ندهد و به ما برنگرداند، من دیگر کاری با آنها ندارم، اما اطمینان دارم که عباس حتماً خوب خواهد شد» - و این جمله را خیلی محکم گفت - آن زمان در کاشان مرسوم بود که حاجتمندان در شب تاسوعا به چهل منبر شمع می‌زدند. نیم ساعتی که از رفتن پدر گذشت من احساس کردم که درد، ذره ذره دارد از بدنم بیرون می‌رود، بلند شدم و گفتم: «گرسنه‌ام!» مادرم با تعجب و تحیر پرسید: «گرسنه‌ای؟ بیا داروهایت را بخور» اما من دوباره گفتم: «گرسنه‌ام» و شروع کردم به غذا خوردن، حدود دو ساعت بعد پدر آمد و گفت: «عباس خوب شد، می‌دانستم این خانواده کسی را بی‌جواب نمی‌گذارند». آنگاه رو به من کرده

و گفت: «باید برای امام حسین(ع) کاری بکنی» - و منظورش این بود که باید شعری بگویی - گفتم: «پدر! من تازه در خط شاعری افتاده‌ام و این قدر قدرت ندارم که در شأن و مقام سیدالشهداء شعری بگویم» اما پدر با تحکم گفت: «چرا می‌توانی و باید این کار را انجام بدهی». آن شب خواب دیدم در مدرسه و سر کلاس هستم، مستخدم مدرسه آمد و گفت: «آقا سید محمدحسین - مدیر مدرسه - می‌خواهد شما را ببیند». پیش ایشان رفتم و او نگاهی به من کرده و از کشوی میز خود دوازده بند محتشم کاشانی را درآورد و گفت: «بگیر! برو این را تضمین کن». گفتم: «آقا من نمی‌توانم» گفت: «چرا می‌توانی» بعد که بیدار شدم و خوابم را برای پدر تعریف کردم گفت: «نگفتم می‌توانی؟».

استاد مشفق کاشانی در ادامه خاطره خود می‌گوید:

واقعاً من نبودم که این کار را کردم. هیچ ادعایی هم ندارم ولی انگار کسی در گوش من اشعار را می‌گفت و من می‌نوشتم. [در پس آینه طوطی صغتم داشته‌اند

هر چه استاد ازل گفت بگو، می‌گویم]3

به هر حال تضمین ترکیب بند محتشم که تمام شد آن را به تهران برای کتابفروشی اسلامیة فرستادم، آنها هم، آن را در ده هزار نسخه به صورت يك جزوة كوچك با عنوان زينت المراثي چاپ کردند. مرحوم شيخ آقا بزرگ تهراني در جلد بيست و ششم كتاب الذريعه نوشته: «زينت المراثي. تضمين دوازده بند محتشم اثر مشفق القاساني». نکته‌اي که می‌خواهم عرض کنم این است که: «من حالا هم که این اثر را می‌بینم، نمی‌توانم در آن تغییری بدهم. انگار يك نيرويي نمی‌گذارد و به من می‌گوید: «بگذار همین طور باشد» به هر حال اگر سؤست یا قوی است، همین است و جا افتاده است.»4

و این چند بند از «صلای غم» استاد:

خلق جهان ز سوز نهان، نوحه می‌کنند  
از دست داده تاب و توان، نوحه می‌کنند  
هر جا ز دیده اشک فشان، نوحه می‌کنند  
جنّ و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند  
گویا عزای اشرف اولاد آدم است  
افتاده شب، ز بام شبستان کربلا  
خور چون سر بریده، به دامان کربلا  
خون خدا گرفت گریبان کربلا  
کشتي شکست خورده طوفان کربلا  
در خاک و خون فتاده به میدان کربلا  
جنّ و ملک شدند بر این پهنه اشک ریز  
در ماتم سري که جدا شد، به تیغ تیز  
برخاست از نهاد جهان، شور رستخیز  
خاموش محتشم که ازین نظم گریه‌خیز  
روي زمین به اشک جگرگون خضاب شد5  
کربلا وادی عشق

مرحوم مهدي الهي قشماي، حکيم و مفسر قرآن کریم، فرزند ابوالحسن متولد 1318 ق. در قمشه (شهرضای کنونی) به دنیا آمد و سال‌ها در تهران در کرسی تدریس عربی در دانشگاه تهران و حکمت و فلسفه در دانشکده الهیات به تدریس اشتغال ورزید و پس از عمری تدریس و تهذیب و تألیف در اردیبهشت ماه 1352 بدرود حیات گفت. از استاد ده‌ها اثر در حوزه‌های گوناگون تفسیر، حکمت و ادبیات باقی مانده که از جمله آنها ترجمه قرآن مجید و ترجمه مفاتیح الجنان و ترجمه صحیفه سجّادیه و حکمت الهی... می‌باشد. مرحوم الهي قشماي را آغازگر ترجمه معاصر قرآن کریم می‌دانند. ترجمه او از قرآن همچنان پُر تیراژترین قرآن مترجم است. استاد در کنار همه فضیلت‌ها از هنر شاعری نیز در حدّ بالایی برخوردار بودند. از ایشان چند دفتر شعر با عنوان‌های نغمة الهی؛ ترجمه منظوم خطبة همّام و نغمة حسيني بر وزن مخزن الاسرار نظامی در شرح زندگی و شهادت سالار شهیدان و حماسه کربلا و نغمة عشاق مجموعه قصاید و غزلیات ایشان به چاپ رسیده است. درباره انگیزة سُرایش منظومه نغمة عشاق فرزند استاد خانم مهدیه الهي قشماي چنین نقل کرده است:

این اثر در حقیقت ادای نذری است که مرحوم استاد الهي قشماي به هنگام بیماری فرزند دلیندش، دکتر حسین الهي قشماي با خدای حسین(ع) داشت و تفصیل قضیه از این قرار است: فرزند استاد - دکتر حسین الهي - در کودکی، هنگامی که يك سال و نیم بیش نداشت، به تب و بیماری سختی مبتلا می‌شود و کار بیماری چنان بالا می‌گیرد که همه از او قطع امید می‌کنند. در این هنگام استاد الهي قشماي به درگاه خداوند نیاز می‌برد و نذر می‌کند که در صورت بهبودی و شفای حسین، داستان سلطان جانبازان جهان، حضرت حسین بن علی(ع) را به نظم درآورد. آن نیت خالصانه و آن سوز و گداز به درگاه بی‌نیاز، مؤثر افتاد و حسین کوچک و بی‌تاب شفا یافت. چند قطره آب به کام خشک حسین می‌ریزند و او به هوش آمده، سلامت و شفای خود را از خدای حسین می‌گیرد.6

به دنبال آن، مرحوم الهي قشماي نذر خود را ادا می‌کند و منظومه‌اي درباره کربلا و سیدالشهدا(ع) در وزن مخزن الاسرار

نظامي مي سرايد اما بعدها از دختر فرزانه خود خانم مهديه الهي مي خواهد كه اين منظومه را در وزن مثنوي مولانا بازآفريني كند، زيرا اين وزن براي خواص شعر در مجالس و منابر سوگ و تعزیه، مناسب قرائت و حالتهاي حزن و حماسه را بهتر بيان مي كند. خانم الهي نيز خواست پدر را اجابت كرده، اين منظومه را با عنوان «كربلا وادي عشق» بازآفريني و به پيشگاه سالار شهيدان تقديم مي نمايد. اين مجموعه به همت انتشارات فاران به چاپ رسيده است. استاد الهي قمشه اي داستان توفيق خود در سرايش «نغمه حسيني» را چنين آورده. پي نوشت ها:

1. حافظ شيرازي.
  2. مهدي طيب، مصباح الهدي، ص 310، نشر سفينه.
  3. حافظ شيرازي.
  4. كيهان فرهنگي، شماره 247 - 246، فروردين و ارديبهشت 1386، صص 7 و 8، گفت وگو با استاد مشفق كاشاني.
  5. مشفق كاشاني، صلاي غم، نشر سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامي، سال 1366.
  6. مهدي الهي قمشه اي، كربلا وادي عشق، بازآفريده مهديه الهي قمشه اي، نشر فاران، ص 8.
  7. همان، صص 13 و 15.
- ماهنامه موعود شماره 84